

## پایان یک پندار

محمد امینی



باده با محتسب شهر منوشی زنهار  
بخورد باده ات و سنگ به جام اندازد

هم پیمانان مردم کُرد در چالش دردناک ایشان برای پایان دادن به تبعیض، دستیابی به حقوق بشر، برابری های سیاسی و فرهنگی و فراهم ساختن زمینه های پیشرفت اقتصادی در شهرها و روستا های کُرد نشین، دیگر مردم سرزمین های پیرامون ایشان اند که آن ها نیز از همان نابرابری ها و ناروایی ها رنج می برند به همان چشم اندازهای آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی امید بسته اند. کسانی که به نام رهبری مردم کُرد به داد و ستد در راهروهای وزارت خانه های اروپا و ایالات متحده مشغولند، سودهای جاه طلبانه و مالی خویش را دنبال می کنند و نه بهروزی مردم ستمدیده کُرد را .

پایان یک پندار

در روزهای گذشته، هواپیماهای ارتش ترکیه به بمباران بخش هایی از کردستان عراق پرداختند. در نگاه نخستین، انگیزه این کارزار سرکوب چریک های حزب کارگران کردستان (پ ک ک) است اما پیام ماندگار آن، این است که ترکیه و هم پیمانانش در ناتو، به سودای کردستانی مستقل در مرز جنوبی خویش تن در نخواهند داد. این کارزار نظامی، نه تنها تمامیت ارضی و دولت ناتوان عراق را در برابر آزمونی بزرگ قرار داد، که بی پایگی و نابخردانه بودن پیش فرضی را آشکار ساخت که بر پایه آن، بنا براین بود که کُردهای عراق در پناه پشتیبانی ایالات متحده و به ویژه محافل نیوکان به استقلال و امنیت ویژه دست یابند و از آن جا، فرایند پدیداری دولت بزرگ کردستان را آغاز کنند.

گزارش های منتشر شده پس از این بمباران ها گواهی براین دارند که ایالات متحده، در همکاری گسترده با ترکیه، آگاهی های امنیتی لازم را برای پیشبرد این کارزار در اختیار ارتش ترکیه قرار داده است. روزنامه واشنگتن پست از بلند پایه ترین کارکنان ارتش ایالات متحده باز گو می کند که ارتش این کشور مرکزی را در آنکارا بنا نهاده که به یاری ماهواره های جاسوسی، جزئی ترین آگاهی ها را پیرامون جایگاه چریک های کُرد و نقل و انتقال ایشان در هر زمان، با ارتش ترکیه در میان نهاده است تا کارزار هوایی ایشان پیروزمندانه و برهدف باشد. به گفته یکی از کارکنان بلندپایه نظامی ایالات متحده، در این کارزار که همچنان ادامه دارد، جاسوسان و آگاهی رسانان پنهان ارتش ایالات متحده «اساساً هدف های بمباران را تعیین می کنند و سپس ارتش ترکیه تصمیم می گیرد که بر پایه این داده ها عمل کند»<sup>۱</sup>. به رغم کوشش های نخستین دولت بوش در نهان ساختن همکاری گسترده با ترکیه در این کارزار نظامی، شواهد همکاری ایالات متحده و ترکیه کتمان ناپذیراند. چهارشنبه این هفته، جف مورل، سخنگوی وزارت دفاع این کشور، سرانجام وجود مرکز امنیتی مشترک در آنکارا را تایید کرد. نبی سنسوی، سفیر ترکیه در واشنگتن به خبرنگاران گفت که «گزارش های اطلاعاتی ایالات متحده کارزار هوایی مارا علیه شورشیان حزب کارگران کردستان در شمال عراق ممکن ساخت»<sup>۲</sup>.

همکار و هم پیمان آشکار ارتش ترکیه در این کارزار دخالت جویانه به خاک کشوری که دستکم در حوزه قانون بین المللی، کشوری مستقل به شمار می آید، همان دولتی است که تا دیروز رهبران احزاب سیاسی کردستان عراق و ایران، آن را هم پیمان خویش می انگاشتند و برادری نجات بخشانه اش را به مردم کردستان بشارت می دادند. می گفتند که دولت نومحافظه کاران جورج بوش در سودای آزاد ساختن مردم کردستان و میسر یگانگی سرزمینی همه مردم

کردستان است. هم اینک، همان دولت «میشرازادی مردم کردستان» با دولت ترکیه که یکی از دشمنان دیرین ابتدایی ترین حقوق مردم کُرد تبار در خاک خویش است هم پیمان گشته و خاتم رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده در پشتیبانی از این چالش نظامی به عراق آمده و می گوید که در این کارزار «ما منافع مشترکی داریم!»

شوربختانه که آن دسته هایی که در سرنای حقوق ملی می دمند و دم از پشتیبانی از حقوق دست نیافته مردم کُرد می زنند، کم یا بیش در برابر این رفتار تجاوزگرانه ترکیه سکوت کرده اند. حزب دموکرات کردستان ایران و کومه له تا هنگام انتشار این نوشته که پنج روز از کارزار بمباران هوایی ترکیه می گذرد، هم چنان خموشند. چه بسا که نمی دانند میان پشتیبانی از تمامیت ارضی عراق و بند و بست های آشکار و نهان با نومحافظه کارانی که آشکارا هوادار این کارزار نظامی اند، کدام را بر گزینند. ای بسا آرزو که برآب شده!

درحالی که گروه های قوم گرای ایران در برابرین دخالت نظامی سکوت کرده اند، دولت و پارلمان عراق با همه ناتوانایی هایش و به رغم این که در سایه بیم و امید ارتش ایالات متحده زندگی می کند، چنین جنگ افروزی و مداخله آشکاری را در خاک سرزمین خویش محکوم کرده است. رفتار تجاوزگرانه ترکیه که با بی اعتنایی به تمامیت ارضی عراق صورت گرفته و واکنش درست مجلس و دولت عراق به این تجاوز، کسانی را که تا دیروز گمان می کردند که ایالات متحده، پشتیبان «خودمختاری اقلیم کردستان» و مردم کردستان عراق است، به بازنگری در رفتار خویش واداشته است. گروه های سیاسی کردستان عراق، به یکباره دریافته اند که پدیده «مقدسی» به نام تمامیت ارضی عراق وجود دارد و کارزار نظامی ترکیه را تجاوز به تمامیت ارضی عراق خوانده و آن را با تب و تاب تند تراز مجلس ملی عراق محکوم کرده اند!

شگفت این که دو سال پیش در جریان بازدید وزیر دفاع پیشین ایالات متحده از کردستان، مسعود بارزانی به جهانیان گفته بود که سفر رامسفلد «سفری تاریخی و مهم و دلیلی بر ائتلاف واقعی قدرتمند میان کُرد ها و آمریکا است». بارزانی که گمان می کرد که چون پیمان ها و مواعید برادران نیوکان، ارزی قابل مصرف است، در فوریه امسال در گفتگو با تلویزیون NTV ترکیه، به این گمان که استقلال کُرد های عراق کاری است عملاً انجام شده، گفته بود که «ایجاد یک دولت مستقل کرد واقعی است که ترکیه و ایران باید این واقعیت را بپذیرند. چهل میلیون کُرد در منطقه وجود دارد!»<sup>۳</sup> اینک، بارزانی و کسانی که در سودای جدا ساختن خویش از عراق اند و همین نسخه را نیز برای کُردهای ایران و ترکیه می پیچند، راهی جزاین ندارند که در پاسداری از تمامیت ارضی عراق در برابر دخالت نظامی ترکیه که با پشتیبانی و همکاری ایالات متحده صورت گرفته است، دست به دامن همان دولت و نیروهایی شوند که بیشتر در سودای جدا شدن از ایشان بودند و به هم پیمانی با ایشان بهای چندان نمی دادند.

کسانی مانند بارزانی و گروهی از رهبران کُرد عراق خوش خیالانه و درس ناگرفته از تاریخ می پنداشتند با جداکردن حساب خویش از مجموعه عراق و تهدید به خودمختاری بیشتر و حتی استقلال سیاسی و اقتصادی و بستن قرارداد های نفتی یک سو به با کمپانی های آمریکایی به رغم مخالفت دیگران در عراق، در پناه ارتش ایالات متحده از امنیت و استقلال برخوردار خواهند بود. پی آمد رویدادهای هفته پیشین این است که آقای بارزانی که تا دیروز گمان می کرد در پناه پشتیبانی نیروی نظامی ایالات متحده و کمپانی های نفتی آن کشور به ریاست جمهوری کردستانی مستقل خواهد رسید، اینک بهت زده و نالان از بی مهری یاران دیروز، از دیدار با خاتم رایس سربرتاافته است! سخنگویان او از این گله دارند که ما زیاران چشم یاری داشتیم!

دستکم این است که مسعود بارزانی برخلاف پدرش که دل بستگی اش به پشتیبانی مفروض اتحاد شوروی از جمهوری مهاباد، آن راه پیمایی و کوچ دراز و دردناک را در پی داشت، هنوز هم می تواند با گسستن از یاران ناپیمان و دریافتن این واقعیت که آینده کردستان عراق و ایران را باید همه مردم این سرزمین ها پی ریزند و نه برنامه ریزان نیوکان، راه و سودای سیاسی خویش را از آن ها جدا سازد. او و دیگر رهبران کُرد می توانند با کنار نهادن سودای ناممکن استقلال به یاری نو محافظه کاران، باردیگر دریابند که پاسداری از تمامیت ارضی عراق با پاسداری از حقوق مردم کُرد عراق پیوستگی دارد و نه با منافع کسانی که تنها در پی برنامه های اقتصادی، سیاسی و استراتژیک خویش در منطقه اند.

کسانی که با نوشته ها و اندیشه این کمترین آشنایند می دانند که من از بنیاد با اندیشه و رفتار حزب کارگران کردستان و شاخه «ایرانی» آن، پژاک، مخالفم و اندیشه و رفتار ایشان را دشمنی با آزادی، حقوق بشر و هستی امروز و آینده مردم کُرد می دانم و براین باورم که این گروه و گروه هایی از این دست، هیچ جایگاهی در چالش دموکراسی خواهی و برابری طلبی مردم کُرد و جایی در گفتمان انسانی و آزادخواهانه امروز ندارند. یگانه پی آمد رفتارشان، استوار ساختن خودکامگی ها و به بیراهه کشیدن چالش های رایزنانه و آزادی خواهانه است. به رغم این، هرگز براین باور نبوده و نیستم که گویا به بهانه رفتار گاه خونریزانه این گروه و یا هر گروه دیگری، اینک ارتش ترکیه «حق»

دارد که به یاری ایالات متحده و بدون پروانه بین المللی به خاک یک کشور مستقل همسایه ایران تجاوز کند و به بمباران روستاییان بی دفاع کُرد در خاک عراق بپردازد. اگر امروز چنین لشکر کشی را به بهانه نیاز سرکوب «تروریست»‌ها بپذیریم، فردا هم دولت ترکیه خویشتن را مجاز خواهد دانست که هر آینه و به هر دلیلی که بخواهد به دخالت خویش در خاک عراق ادامه دهد و در پیگرد هرآنکه تروریست و مخرب می خواند، عراق و به ویژه اقلیم کردستان را حیات خلوت خویش بشمار آورد. ۴

اما از این هم باید فراتر رفت. این دخالت نظامی و پشتیبانی آشکار ایالات متحده از آن، بار دیگر نشان می دهد که مردم کُرد نباید امید خویش را به مواعید دولت های بزرگ که تنها در سودای منافع خویش اند ببندند. سود مردم کُرد تبار عراق در جداساختن سرنوشت خویش از دیگر مردمان این کشور نیست که در دستیابی همه مردم عراق به امنیت، حقوق شهروندی و بنای دولتی دموکراتیک و مستقل است. در این راستاست که رهبران سیاسی کردستان عراق بر لبه تیغ نشسته و به بیراهه رفته اند.

پاره ای از رهبران سیاسی کردستان عراق به جای آن که مردم و جنبش مدنی عراق را پایگاه خویش بدانند، در سودای برپایی شتابان یک حکومت قومی، با نیوکان ها هم جفت شدند و گمان کردند در تند باد برخاسته از جنگ عراق و پول هایی که قرار بود پیش پرداخت درآمد نفت شمال عراق باشد، یک شبه ره سد ساله خواهند رفت. به رغم مخالفت دولت مرکزی، خویشتن را ارباب نفت حوزه کرکوک خواندند و برای پایان دادن به هر شبهه ای، به کردسازی دوباره کرکوک پرداختند. مسعود بارزانی، کار پاکسازی قومی را به جایی رساند که سه سال پیش درگفتگو با شبکه خبری العربیه گفت که «همه مهاجران عرب که به این شهر آمده اند باید به مناطق اصلی خود برگردند». ۵

سودای جداساختن کردستان و هم سرنوشت ساختن مردم کُرد با منافع نیوکان ها به پایه ای بود که فرزندان دورقیب رهبری بر اقلیم کنونی و دولت آتی کردستان، با پول های کلانی که در اختیارشان قرار گرفته بود به استخدام لابی های با نفوذ و مبلغان اندیشه استقلال کردستان در واشنگتن پرداختند. ۶ گسستن ایشان از واقعیات چنان بود که از پیش به معامله بر سر آینده کردستان مستقل پرداختند و به نام پاسداری از حقوق و منافع مردم کُرد، چوب حراج به دارو ندار مردم این سامان زدند.

افسوس از بخت های از دست رفته! فرو ریختن فرمانروایی خونریز و خودکامه صدام و حزب بعث عراق دریچه ای نوین را در برابر مردم عراق و به ویژه مردم کُرد عراق گشود. در این چشم انداز، رهبران سیاسی کُردتبار عراق با یک فرصت تاریخی نوین روبرو شدند که کوشش برای یگانگی عراق، نوسازی و دموکراتیزه ساختن این کشور رهیده از بند صدام در کانون آن بود. اما آن ها راهی را بر گزیدند که گفته حافظ بهترین بیان آن است: وصال دولت بیدار ترسنت ندهند/ که خفته ای تو در آغوش بخت خواب زده !

هشدار چند ماه پیش آقای بارزانی به ایران و ترکیه که چهل ملیون کُرد دیر یازود استقلال خواهند یافت، بر این بنا بود که ایشان گمان می کردند که به شکرانه پشتیبانی نومحافظه کاران بر خرمراد سواراند. کسانی نیز از میان رهبران حزب دموکرات کردستان ایران و پاره ای از گروه های دیگر بر همین باور شدند و شادمانانه پیام دادند که «چهار ملیون کُردهای ایران که مرز شمالی با عراق را در اختیار دارند، هر آینه ایالات متحده گام هایی مهاجمانه تر در برابر ایران بردارد، از آمریکا پشتیبانی خواهند کرد». ۷. این را نخوانده بودند که دولت ایالات متحده در راه پیشبرد منافع ملی و برنامه های استراتژیک خویش، وعده استقلال کُردهای عراق که سهل است، همه عراق را هم قربانی خواهد کرد .

در همین اکتبر امسال بود که دولت اقلیم کردستان بی آنکه بهایی به حقوق دیگر مردم عراق بدهد، به بستن پیمان با هشت شرکت نفتی خارجی پرداخت. این پیمان ها، در عمل اعلام استقلال کردستان بود که رهبران این اقلیم به شادمانی از آن چه گمان می کردند پشتیبانی بی برگشت ایالات متحده است به انجام آن دست زدند. دهن کُزی رهبران اقلیم کردستان به حاکمیت دولت عراق تا بجایی بود که پس از اینکه دولت مرکزی، پارلمان عراق و حسین شهرستانی، وزیر نفت این کشور، این پیمان هارا غیرقانونی خواندند، قباد طالبانی، یکی از دو نماینده اقلیم کردستان در ایالات متحده که پدرش، رئیس جمهور دولت مرکزی است (!) پس از دیدار از آقای دیک چینی اعلام کرد که بستن این قراردادها حق ملی و مُسَلّم مردم کردستان است و حتی یک قرارداد نفتی نیز تغییر نمی کند و یا فسخ نمی شود». ۸. هم او در گفتگویی با روزنامه نگاران آمریکایی در ماه مارچ گفت که «گشایش یک پایگاه نظامی آمریکایی در اقلیم کردستان به سود هر دو طرف است». ۹ و گشایش چنین پایگاهی حق دولت اقلیم کردستان است و به پذیرش آن از سوی پارلمان و دولت عراق نیازی ندارد! دل بستن ساده لوحانه رهبران عشیره ای اقلیم کردستان به مهر ایالات متحده به پایه ای بود که هم او در اکتبر امسال در مصاحبه ای با واشنگتن پست گفته بود که وظیفه پاسداری از کردستان عراق در برابر دخالت نظامی آتی ترکیه با ایالات متحده است. ۱۰

نخستین میخ را برتابوت چنین خوش باوری های قوم گرایانه ای، گزارش شانزده سازمان امنیتی ایالات متحده کوبید که امکان دخالت نظامی ایالات متحده را در ایران کاهش داد. اینک، مداخله نظامی آشکار ترکیه و پشتیبانی سیاسی و آمادگاری (لجیستیک) ایالات متحده، بیش از پیش نشان می دهد که دل بستن به چنین چشم انداز های خوش بینانه ای و هماهنگ ساختن آینده مردم کردستان با منافع یک دولت نیرومند که سودای دیگری را دنبال می کند، ره بجایی نخواهد برد. سرنوشت چنین گونه استقلال هایی که قرار است در دادو سدها بدست آید، همین است که در دادوستدی دیگر به فراموشی سپرده شود.

فرصت تاریخی مردم کردستان عراق این است که گریبان خویش را از چنگال اندیشه عشیره ای که به نام ناسیونالیسم کُرد بارها به ریختن خون کُرد به دست کُرد انجامیده است رها کنند. اندیشه عشیره ای که به جای جستجو در راهکارهای شهروندانه و مدرن، فرانروایی بر اربیل را در برابر فرمانروایی بر سلیمانیه قرار می دهد و آینده مردم کردستان را با سودهای سیاسی و اقتصادی نومحافظه کاران ایالات متحده پیوند می دهد. ۱۱

دخالت نظامی ترکیه در عراق آشکار می سازد که سودای استقلال کردستان که رهبران احزاب سیاسی کردستان عراق در پی آن بوده اند، خواه و ناخواه مردم کُرد را با دولت ها و مردم سه یا چهارکشور منطقه رو در رو خواهد کرد و سرنوشت مردم کُرد را با منافع و نیات محافظه کارترین نیروهای سیاسی ایالات متحده و اسرائیل درهم خواهد آمیخت. چنین سودایی نه واقع بینانه است و نه پیگیری آن به سود مردمی است که سدها و هزاران سال پیشینه مشترک با مردم این سرزمین ها دارند.

فروپاشی دولت خونریز صدام حسین، فرصت تاریخی بزرگی را برای همه مردم عراق و به ویژه کُردهای این کشور فراهم آورده است. از این فرصت تاریخی باید به سوی مردم کُرد و دیگر مردم ستمدیده و محروم عراق سود جست. بهره جویی از این فرصت تاریخی نه برانگیختن ستیزهای قومی و دینی است و نه حراج نفت کرکوک و اقلیم کردستان. رویدادهای این هفته نشان می دهد که فروش پایگاه نظامی به ایالات متحده هم، سرپناهی برای کُردها در برابر مداخله نظامی ترکیه که هم پیمان پایدار آن کشور در پیمان ناتو است، پدید نخواهد آورد.

رویدادهای این هفته و رفتار پیشین رهبران سیاسی کُرد های عراق، هشدار روشنی است به رهبران حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومه له و دیگر و کوشندگان کُرد در این سال ها دل به مواعید نومحافظه کاران بسته اند و خجولانه همان سودای رهبران کردستان عراق را دنبال می کنند. اگر اینک بیش از پیش آشکار می شود که استقلال کُرد های عراق از کشوری که تنها هفتاد سال از بنای آن می گذرد، آرزویی دور و درخواستی دشمنی برانگیزاننده است، چگونه می توان پذیرفت که در کشوری که نیاکان کُرد های امروز، پایه گذاران نخستین دولت آن در نزدیک به سه هزار سال پیش بوده اند و از همان آغاز سامان یافتن دولت در ایران تا به امروز، زندگی و فرهنگشان با دیگر مردم ایران در هم آمیخته است، می توانند راهی را جز از یگانگی و پیوستگی با دیگر مردم ایران دنبال کنند؟

هم پیمانان مردم کُرد در چالش دردناک ایشان برای پایان دادن به تبعیض، دستیابی به حقوق بشر، برابری های سیاسی و فرهنگی و فراهم ساختن زمینه های پیشرفت اقتصادی در شهرها و روستا های کُرد نشین، دیگر مردم سرزمین های پیرامون ایشان اند که آن ها نیز از همان نابرابری ها و ناروایی ها رنج می برند به همان چشم اندازهای آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی امید بسته اند. کسانی که به نام رهبری مردم کُرد به داد و ستد در راهروهای وزارت خانه های اروپا و ایالات متحده مشغولند، سودهای جاه طلبانه و مالی خویش را دنبال می کنند و نه بهروزی مردم ستمدیده کُرد را.

از کران تا به کران لشگر ظلم است، ولی  
از ازل تا به ابد فرصت درویشان است!

محمد امینی

پنج شنبه، سی ام آذر ۱۳۸۶ – بیستم دسامبر ۲۰۰۷

M\_Amini@Cox.Net

۱. واشنگتن پست، دوشنبه، هفدهم دسامبر ۲۰۰۷.

۲. صدای آمریکا، بیستم دسامبر ۲۰۰۷.

۳. خورده لات نیوز، اول مارچ ۲۰۰۷؛ رادیو فردا، بیست و هشتم فوریه ۲۰۰۷.

۴. پشتیبانی من از کارزار افغانستان بر این بنا بود که دولت طالبان به گونه ای رسمی و آشکار خویشتن را میزبان و هم پیمان القاعده اعلام کرده و با پشتیبانی از رویداد تروریستی یازدهم سپتامبر نه تنها به ایالات متحده که به جامعه

بشری اعلام جنگ داده بود. دخالت نظامی در این کشور نیز با پروانه سازمان ملل و اتفاق قانونی جامعه بشری صورت گرفت. کارزار نظامی ترکیه، ادامه سیاست بوش در «حمله پیش دستانه (pre-emptive strike)» است که نه پایه در حقوق بین الملل دارد و نه با ارزش های پذیرفته شده از سوی سازمان ملل همخوان است. بر همین پایه و بسیاری دلایل دیگر هم بود که من هم به سان بسیاری دیگر از کوشندگان سیاسی ایران به مخالفت با لشکرکشی نظامی ایالات متحده آمریکا به عراق برخاستم.

۵. العربیه، شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۶.

۶. در این رهگذر، فرهاد بارزانی، فرزند مسعود بارزانی، دنی یاتوم، رئیس پیشین موساد و و شلونیم میکائیلز را یافت و سرانجام مؤسسه باربور، راجرز و گریفیث را که از لابی های محافظه کار واشنگتن اند برای شناساندن حزب دموکرات کردستان به سیاستمداران استخدام کرد. اسناد مالیاتی این شرکت بر این گواه است که بخش بارزانی اقلیم کردستان تاکنون بیش از چهار میلیون دلار به آن ها پرداخته است. به گفته قباد طالبانی، فرزند جلال طالبانی که نماینده بخش دیگر دولت اقلیم کردستان است، آن پول های پرداخت شده، به دریافت ۴,۱ میلیارد دلار پول نقد به دولت اقلیم کردستان در میانه سال ۲۰۰۴ انجامید. به گفته واشنگتن پست «در روز بیست و سوم ژوئن ... ارتش آمریکا این پول را به صورت اسکناس های جدید صد دلاری در بسته بندی های پلاستیکی با سه هلی کوپتر به اربیل فرستاد» (صدای آمریکا ۲۳ آوریل ۲۰۰۷). مشاور آقای قباد طالبانی، آیال فرانک، کارمند پیشین کنگره و تحلیلگر سفارت اسرائیل در امور قانونگذاری در ایالات متحده است. او شرکت تبلیغاتی «روسو، مارش و راجرز» را که با کاخ سفید و معاون رئیس جمهور نزدیک است را هم در راستای تبلیغ برای این شاخه از دولت اقلیم کردستان استخدام کرده است. این مؤسسه، پایه گذار و پردازنده هزینه شرکت سیاسی غیر انتفاعی Move America Forward است که از برنامه های دست راستی افراطی و از جمله بستن مقر سازمان ملل در نیویورک و پاکسازی رسانه ها از روزنامه نگاران و گویندگان لیبرال پشتیبانی می کند. سخنگوی این مؤسسه در جولای سال گذشته، پس از آغاز کارزار تبلیغاتی برای سرمایه گذاری در کردستان به واشنگتن پست گفت که «این کارزار بخشی از یک قرارداد نامحدود است که در دوسه سال آینده میلیون ها دلار درآمد برای شرکت ما به دست خواهد آورد!» (کردستان برای فروش، دایان فارستا، کانتر پانچ، ۴ اکتبر ۲۰۰۶)

۷. گفتگوی آقای حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران با «نیوزمکس» در پاریس در جولای ۲۰۰۷.

۸. آژانس خبری کردستان، چهاردهم آذرماه ۱۳۸۶ و دیگر خبرگزاری ها.

۹. مصاحبه قباد طالبانی در شهر هولیر آمده در گزارش خبرگزاری PUKmedia، تارنمای سلماس کوردستان و روزنامه آسو چاپ سلیمانیه، بیست و یکم سپتامبر ۲۰۰۷.

۱۰. واشنگتن پست بیستم اکتبر ۲۰۰۷

۱۱. درباره ساختار عشیره ای رهبری کردستان عراق کافی است که به تاریخ ستیز دو گروه اصلی که پیرامون این دو خاندان گردآمده اند و اسناد بسیاری که در این باب انتشار یافته است بنگریم. در ساختار کنونی دولت و سیاست اقلیم کردستان، پیوندهای قومی چیرگی شگرف و شوربختانه ای دارند. مسعود بارزانی، فرزند ملا مصطفی بارزانی، رهبر ایل بارزان است. پدرش رهبر حزب دموکرات کردستان عراق بود و پس از مرگ وی، رهبری ایل و حزب همزمان به او رسید. مسرور بارزانی، فرزند بیست و چهارساله مسعود، رئیس سازمان امنیت کردستان عراق است. نجیروان بارزانی که در عظیمیه کرج به دنیا آمده، نوه ملا مصطفی و فرزند ادریس، برادر بزرگ مسعود که در دهه هشتاد در بمباران های جانیانه صدام کشته شد، نخست وزیر دولت اقلیم کردستان است. بین او و مسرور رقابتی فزاینده بر سر جانشینی مسعود جاری است. از آن سوی هم دولت ترکیه خواهان تسلیم مسرور بارزانی به این کشور است و وی را یکی از همکاران پنهانی پ. ک. ک به شمار می آورد! قباد طالبانی، فرزند جلال طالبانی، یکی از دو نماینده اقلیم کردستان در ایالات متحده است. اقلیم کردستان نماینده دیگری هم در واشنگتن دارد که او فرهاد بارزانی، فرزند مسعود بارزانی است. به گفته روزنامه نگاران آمریکایی، دسترسی این دو به کاخ سفید، دفتر دیک چینی و وزارت خانه های دفاع و خارجه این کشور، بارها بیش از نماینده رسمی سنی مذهب دولت عراق در واشنگتن است!

منبع: آینده نگری